



## چهارشنبه 21 اسفند 1392-10 جمادی الاول 1434-12 مارس 2014

رحلت فقیه و دانشمند مسلمان ایرانی آیت الله «شیخ محمد صالح حائری مازندرانی» (1349 ش)...

### \* 21 اسفند در گذر تاریخ

\* رحلت فقیه و دانشمند مسلمان ایرانی آیت الله «شیخ محمد صالح حائری مازندرانی» (1349 ش)  
آیت الله شیخ محمد صالح حائری مازندرانی در حدود سال 1260 ش (1298 ق) در شهر مقدس کربلا به دنیا آمد. وی در ابتدا ادبیات عرب را فرا گرفت و دروس دیگر سطح و فلسفه و منطق را از محضر پدر و برادرش استفاده نمود. هنوز 15 سال از عمر محمد صالح نمی گذشت که «رساله غساله» را تألیف کرد و به مرحوم آخوند خراسانی عرضه نمود. آخوند با مشاهده این رساله و پی بردن به نبوغ و استعداد بی نظیر این نوجوان، وی را با خود به نجف اشرف برد، و پس از سالیانی در شمار شاگردان بزرگ آخوند گردید. ایشان همچنین از محضر بزرگانی همچون میرزا حسین خلیلی و ملا اسماعیل بروجردی فقه و اصول و حکمت آموخت و به مدارج والای علمی رسید. تلاش علمی و ذوق سرشار شیخ محمد صالح، توجه همه صاحب نظران را به خود جلب کرد، چرا که کتابها و رسایل زیادی را به تألیف درآورده بود و حتی در شانزده سالگی به درجه اجتهاد نائل آمد. آیت الله مازندرانی در 26 سالگی راهی بابل گردید و در آنجا به اقامه شعائر دینی و خدمات مذهبی مشغول شد و بعدها مرجع دینی بسیاری از مؤمنین قرار گرفت. شیخ محمد صالح در زمان رضاخان پهلوی، سخنان قاطعی در مسجد جامع بابل ایراد کرد و از حکومت و شخص شاه انتقاد نمود که به حبس وی در تهران انجامید. بر اثر این حرکت، قرار بر اعدام ایشان شد که به دلیل اعتراض شدید مراجع وقت، به آزادی و تبعید وی به سمنان منجر گردید و این عالم سترگ تا پایان عمر در سمنان اقامت گزید. از این عالم ربانی در حدود سیصد تألیف و رساله بر جای مانده که حکمت بوعلی در 5 جلد، سیمای ایمان، دیوان الادب و تاریخ معارف امامیه از آن جمله اند. این فقیه مجاهد سرانجام پس از عمری خدمت و تلاش و زندگی پربار، در 21 اسفند 1349 ش برابر با سال 1391 ق در سن 89 سالگی در سمنان به لقاء الله پیوست و پس از تشییعی باشکوه، در جوار حرم حضرت ثامن الحجج (ع) به خاک سپرده شد.

\*\*\* قلیچ خانی و لواسانی دو فوتبالیست شاخص بمناسبت فعالیتهای کمونیستی بازداشت شدند (1350 ش)

\* صدور پیام حضرت امام خمینی درباره تحریم شرکت در حزب شاهنشاهی رستاخیز (1353 ش)  
پس از تشکیل حزب شاهنشاهی رستاخیز در 11 اسفند 1353 و دعوت رژیم از مردم برای عضویت در آن و تهدید دستگاه جور به خروج از کشور برای کسانی که عضو حزب نشوند، حضرت امام خمینی که در آن زمان در نجف اشرف به سر می بردند، طی پیامی شرکت در این حزب دین ستیز را حرام و کمک به استیصال مسلمین عنوان کردند. ایشان در این پیام فرمودند: «نظر به مخالفت این حزب با اسلام و مصالح ملت مسلمان ایران، شرکت در آن بر عموم ملت حرام و کمک به استیصال مسلمین است و مخالفت با آن از روشن ترین موارد نهی از منکر است و چون این نغمه تازه که به دستور کارشناسان یغماگر برای اغفال ملت از مسائل اساسی از حلقوم شاه برخاسته تا کشور را بیش از پیش، خفقان زده کند و راه را برای مسائلی که در نظر دارند، باز نمایند، لذا لازم است حسب وظیفه تذکراتی بر همه باشد که ملت مسلمان، تا فرصت از دست نرفته، با مقاومت بیش از پیش و همه جانبه، جلو این نقشه های خطرناک را بگیرند. درباره این حزب به اصطلاح رستاخیز ملی ایران باید گفت این عمل با این شکل تحمیلی، مخالف قانون اساسی و موازین بین المللی است و در هیچ یک از کشورهای عالم نظیر ندارد.»

\* روزنامه اطلاعات در خبری، آمار کشته شدگان آشوب تبریز را 400 نفر اعلام کرد و در ادامه نوشت که روز گذشته حدود 10 نفر دیگر به جرم شرکت در بلوای اخیر تبریز دستگیر شدند. (1356 ش)

\* رحلت عالم ربانی آیت الله «محمود انصاری قمی» از علمای مشهور تهران (1363 ش)  
آیت الله حاج شیخ محمود انصاری قمی در حدود سال 1300 ش (1340 ق) در خانواده تقوا و فضیلت در قم به دنیا آمد. او در ده سالگی پدر را از دست داد و تحت سرپرستی برادرانش، دروس اولیه را فرا گرفت. آیت الله انصاری در جوانی برای ادامه تحصیلات خود راهی حوزه نجف شد و از محضر آیات عظام: سید عبدالهادی شیرازی، سید محسن حکیم و سید ابوالقاسم خویی کسب فیض نمود. وی بعدها از این بزرگواران و عالمانی نظیر حضرات آیات: سید محمد رضا گلپایگانی، سید احمد خوانساری و حضرت امام خمینی (ره) اجازه اجتهاد و از شیخ آقا بزرگ تهرانی و سید شهاب الدین مرعشی نجفی اجازه روایت گرفت. او با آغاز نهضت اسلامی مردم ایران و دستگیری امام خمینی (ره) در سال 1342، در ترغیب و تشجیع علمای نجف به حمایت از امام راحل، نقش مهمی ایفا کرد و فعالیت زیادی نمود. ایشان در حدود سال 1343 ش به تهران آمد و به

فعالیت‌های دینی و اجتماعی و امور خیریه پرداخت. آیت‌الله انصاری در کنار تاسیس دو مسجد و دو بیمارستان، در راه برطرف کردن مشکلات مردم تلاش فراوانی از خود نشان می‌داد و در این راه از هیچ کوششی فروگذار نمی‌کرد. آیت‌الله انصاری مورد وثوق و اعتماد بسیاری از مراجع تقلید بود و تعدادی از آنان، امر غسل و تدفین خویش را به ایشان محول کرده بودند. از این عالم خدمتگزار، تالیفات چندی بر جای مانده که برخی از آثار ایشان عبارتند از: تقریرات درس فقه آیت‌الله سید محسن حکیم و تقریرات دروس فقه، اصول و تفسیر آیت‌الله خویی. سرانجام آن خدمتگزار صادق دین در سحرگاه 21 اسفند 1363 ش برابر با 23 ذی قعدة 1419 ق در هفتاد و هفت سالگی بدرود حیات گفت و پس از تشییع باشکوه، در قبرستان شیخان قم به خاک سپرده شد.

#### \* 10 جمادی الاول درگذر تاریخ

\* درگذشت «ابن عبدالسلام» فقیه، قاضی و خطیب مسلمان در قاهره (660 ق)

عزالدین ابومحمد عبدالعزيز بن عبدالسلام معروف به شیخ الاسلام و سلطان العلماء، از بزرگان علمای شافعی در قرن هفتم هجری است. فقه را از ابن عساکر و اصول را از سیف الدین آمدی و... فرا گرفت و در اندک زمانی از علمای برجسته‌ی عصر خود شد. ابن عبدالسلام، بسیاری از سال‌های عمر خود را در دوران پرآشوب درگیری‌های داخلی ایوبیان با یکدیگر و نیز رویارویی آنان با سپاهیان صلیبی سپری کرد. در چنین شرایطی، مداخله‌ی او در امور سیاسی و ترغیب زمامداران به ایستادگی در مقابل سپاهیان روم، موجب شهرت او گردید. ابن عبدالسلام در دمشق به تدریس اشتغال داشت. وی چندی بعد در مصر به کار قضاوت مشغول شد و تدریس را در آنجا نیز ادامه داد. ابن عبدالسلام بیش از بیست سال، مقام تدریس، فتوا، امامت و خطابت قاهره را برعهده داشت. در نشر علم و انجام وظایف امر به معروف و نهی از منکر اهتمام تمام به کار می‌برد و نفوذ زیادی داشت. الفتاوی، الاشارة الی الایجاز و... از جمله آثار اوست.

\* درگذشت «ابن طولون» فقیه، ادیب و مورخ دمشق (953 ق)

ابن طولون دمشقی در سال 880 قمری در دمشق به دنیا آمد و در سراسر عمرش، بی‌وقفه به تحقیق، تدریس و تألیف پرداخت. وی در پایان تحصیلات متداول عصر خویش به آموختن علم حدیث روی آورد. ابن طولون از معدود رجال اسلامی است که زندگی نامه‌ی خویش را به رشته‌ی تحریر درآورده است. او در کنار اشتغالات علمی، مدتی به کارهای اداری نیز پرداخت و از این راه، مدتی به قناعت روزگار می‌گذرانید. نوع کارهایی را که ابن طولون می‌پذیرفت، اموری بود که با کارهای علمی سنجیده شده است. وی در سال‌های پایانی عمر بیمار شد و به سبب دردمندی، نتوانست پیشنهاد منصب افتاء مذهب حنفی را که چند سیمت علمی و اداری دیگر نیز به همراه داشت، بپذیرد. شمار آثار ابن فقیه و ادیب دمشق در تاریخ اسلام، کم نظیر و شگفت آور است. وی در زندگی نامه‌ی خویش 728 اثر را به ترتیب حروف الفبا بر شمرده است و به سبب تسلط بر بسیاری از علوم زمان در زمینه‌های تفسیر، علوم قرآنی، حدیث، فقه، رجال، نحو، طب و عرفان و... تالیفاتی دارد. التمتع بالاقران، الذرر الفاخره و السفینه الطولونیه، از جمله آثار ابن طولون دمشقی است.

\* تولد «میرزا محمدتقی مامقانی تبریزی» عالم و ادیب معروف به «حجت الاسلام» (1247 ق)

میرزاحمد تقی بن ملامحمد مامقانی مشهور به حجت الاسلام از علما و دانشمندان اوایل قرن چهاردهم هجری در آذربایجان است. در 22 سالگی برای تکمیل تحصیلات خود به نجف اشرف رفت و سپس به تبریز بازگشت. وی شاگردانی تربیت کرد و کتاب‌هایی نگاشت. آتشکده، الفیه، مفاتیح العیب و... از جمله آثار اوست. حجت الاسلام تبریزی در نجف اشرف مدفون است.

\* ولادت آیت الله حاج آقا رحیم ارباب، عالم عظیم‌الشأن حوزه علمیه اصفهان (1297 ق)

در سال ۱۲۹۷ هجری قمری (مصادف با ۱۲۵۹ ش) در قریه «چرمهین» اصفهان و در خانه حاج علی پناه (ارباب حاج آقا) پسری چشم به جهان گشود که نام او را «رحیم» برگزیدند. پدر آقا رحیم، حاج علی پناه، مشهور به ارباب حاج آقا (فرزند عبدالله مشهور به ارباب آقا) فرزند حاج علی پناه فرزند ملاعبدالله شیرانی بود. اجداد آقا رحیم ارباب از اعیان دهاقین و مشاهیر نجبا و بزرگ‌زادگان قریه چرمهین از قرای معروف روستای لنجان اصفهان و صاحب مال و ثروت بودند و بدین سبب، به لقب «ارباب» خوانده می‌شود. آقا رحیم در خانواده‌ای رشد کرد که افرادی باسواد، اهل شعر و ادب و تاریخ بودند. پدر ایشان در شعر، تخلص «لنگر» داشت و سال‌ها با عمان سامانی و دهقان سامانی و ملامحمد همای و دیگر شعرای معاصرش، جلسات شعر داشت. آقا رحیم نیز پیش‌تر اشعار فارسی حافظ و مولانا و شعرای عرب را که حفظ داشت، از دوره کودکی خود و از طریق شنیدن از زبان پدر و عمویش بوده است. آقا رحیم ارباب، بزرگ‌ترین فرزند خانواده‌اش بود. وی دو برادر و یک خواهر داشت. یکی از برادرانش، عبدالله ارباب (۱۲۹۸-۱۳۷۹ ق) استاد بزرگ خط نسخ بود و قرآن و کتاب‌های دعا را با این خط می‌نوشت. دومین برادر وی، حاج عبدالعلی ارباب (۱۳۰۴-۱۳۸۴ ق) بود. او نیز مردی باسواد و اهل کمال بود که مخارج خانواده به همت وی تأمین می‌شد. هر دو برابر آقا رحیم از وی کوچک‌تر بودند و پیش از او وفات یافتند. آقا رحیم ارباب، ادبیات فارسی و بخشی از صرف و نحو را در کودکی، نزد ملامحمد همای، در «چرمهین» خواند. وی در اصفهان، بقیه مقدمات و سطوح را نزد حاج میرزا بدیع (متوفا):

۱۳۱۸ق)، قوانین اصول را نزد علامه آیت‌الله آقا سیدمحمدباقر درچه‌ای (متوفای ۱۳۴۲ق) و خارج اصول فقه را نزد سیدابوالقاسم دهکردی و حاج آقا منیر احمدآبادی (متوفای ۱۳۴۲ق) آموخت. فلسفه، هیئت و ریاضیات را نزد جهانگیرخان قشقایی و آخوند ملامحمد کاشی فراگرفت. وی چهار سال به فراگیری اسفار نزد حاجی ملااسماعیل درب کوشکی پرداخت. او برای ادامه تحصیلات، به عراق رفت و در درس میرزا محمدحسن شیرازی شرکت کرد، تا به مقام اجتهاد نائل آمد. او شوق فراوانی نسبت به فراگیری دانش داشت. خودش در این باره می‌گوید: «از اول شب آماده مطالعه کتاب‌های علمی می‌شدم و مطالعه طول می‌کشید تا شام حاضر می‌شد و لذت مطالعه کتاب، مهلت به صرف شام نمی‌داد و غذا سرد می‌شد و گاهی مطالعه طول می‌کشید تا صبح می‌شد و بعد از تناول غذای شب و ادای فریضه صبح، در مجلس درس حاضر می‌شدم و با شوق علم‌آموزی اعتنا به کمبود خواب نداشتم.» ارادت و عشق آقا رحیم به استادانش به‌خصوص میرزا جهانگیرخان قشقایی و آخوند کاشی به‌حدی بود که نظیرش در کمتر کسی دیده شده است. وی در خدمت آن دو بزرگوار می‌ایستاد تا بگویند: «آقا رحیم، بنشین!» آن وقت با ادب در حضور آنان می‌نشست. «آقا رحیم شرح لمعه تدریس می‌کردند. درس شرح لمعه او آن‌قدر تطبیقی بود و شرح و بسط داشت که مطالب را استدلالی برای شاگردانشان می‌گفتند. آن کسانی که می‌رفتند درس ایشان و آن را یادداشت می‌کردند، از شرح لمعه آیت‌الله ارباب بیش‌تر از درس خارج دیگران استفاده می‌کردند به‌طوری‌که کسی شش یا هفت سال به درس خارج حاج آقا رحیم ارباب می‌رفت، ادعای اجتهادش مقرون به دلیل می‌شد. چون در هر بحث فقهی، ایشان روایاتش را از بحارالانوار و یا کتب مشهور روایی که مستند فقه است، نقل می‌نمودند و یا نظر استادان فقه را با دلایل آن می‌گفتند. کتاب وسایل‌الشیعه از کتاب‌های جامع اخبار فقهی است، کانه ایشان آن روایات را حاضراً ذهن داشتند و اقوال مختلف فق‌ها را نقل می‌کردند، با شرح لمعه تمام اقوال را با شواهد روایی و شواهد آیات قرآن کریم، تفسیر، لغت، رجال، درایه آن کاملاً بررسی می‌کردند. مصداق آن‌چه که به آن می‌گویند درس خارج.» حاج آقا رحیم ارباب، ابتدا در مسجد حکیم و سپس در مسجد «کرک یراق» تدریس می‌کرد. وی «فقه را از روی جواهر می‌گفتند و جواهر هم جلوی ایشان بود. در خارج فقه استنباطشان از روی جواهر آشخ محمدحسین نجفی بود. فقه را از جواهر می‌گفتند و اصول را هم از فرائد.» حاج آقا رحیم پس از آن‌که بیماری‌اش شدت یافت، در منزل تدریس می‌کرد. وی به تدریس، بیش‌تر از هر چیز دیگر اهمیت می‌داد، «در طول پنجاه سال کمتر مسافرت رفتند، حتی برای سفرهای زیارتی عتبات مقدس کربلا، نجف، مشهد و حج هم همان یک حج واجب را ایشان رفتند. ایشان درس را تعطیل نمی‌کردند و در احیای حوزه و تربیت شاگردانی که هرکدام از علمای این شهر (اصفهان) هستند، نهایت جدیت و کوشش را می‌نمودند.» آیت‌الله ارباب در سال ۱۳۲۰ جواهر و شرح تجرید علامه را در مسجد حکیم تدریس می‌کرد. وی معتقد بود «تنها تدریس کافی نیست، علما و مجتهدین بر اریکه منبر بنشینند و به بیان مسائل شرعی و اخلاقیات برای مردم بپردازند.» یکی از شاگردان وی می‌گوید: «در زمینه فلسفه، در حد اعلی بودند و به «حکیم» شهرت داشتند.» آیت‌الله ارباب از آخرین فروغ‌های فلسفه در اصفهان بود. وی مدت‌ها درس فلسفه می‌گفت، لکن بعداً تبدیل کرد به کلام. مانند «شرح تجرید» و هنگامی که به وی پیشنهاد می‌شود که شرح منظومه تدریس کند، قبول نمی‌کند و می‌فرماید: «حاضر شرایع‌الاسلام (فقه) بگویم.» «حکمت ایشان، متمایل به حکمت مشاء و حرف‌های ملاصدرا بود؛ به مطالب صدرالمتألهین خیلی اهمیت می‌دادند. هروقت حرف از حکمت بود، معمولاً سخنان ملاصدرا یا محی‌الدین عربی اندلسی را مطرح می‌فرمودند، زیرا این‌ها استوانه‌های علمی ایشان بودند در حکمت و عرفان.» حاج آقا رحیم ارباب سه سال آخر عمر خود را به‌علت کوتاهی یک پرستار پس از عمل جراحی چشمانش، نابینا بود. معظم‌له به تاریخ هجدهم ذی‌الحجه ۱۳۹۶ق (برابر با نوزدهم آذرماه ۱۳۵۵ش) و در روز عید غدیر چشم از جهان فروبست. قبر مبارکش در گورستان تخت فولاد اصفهان، حوالی تکیه ملک در گلستان شهدا قرار دارد.

\* 12 مارس درگذر تاریخ

\* تولد «کریستین هیل» ادیب و منتقد برجسته آلمانی (1813م)

کریستین فریدریش هیل، نمایش‌نامه‌نویس، شاعر و منتقد آلمانی، در 18 مارس 1813م در یکی از ایالت‌های آلمان به دنیا آمد. هیل دوره کودکی را به سبب فقر خانوادگی و خشونت و سخت‌گیری پدر، در محیطی غم‌انگیز گذراند و در نوجوانی برای تأمین معاش به شغلی در مطبوعات پرداخت. او در این شغل با مطالعه بسیار، دانسته‌های خود را وسعت بخشید و کم‌کم به نوشتن روی آورد. با انتشار برخی از نوشته‌های هیل درمجله‌های ادبی هامبورگ آلمان، وی راه آینده خود را در این مسیر برگزید و پس از تحصیلی نیمه کاره، به نگارش پرداخت. هیل در سال‌های بعد سفری به فرانسه و ایتالیا کرد و با بر روی صحنه بردن نمایش‌نامه‌های خود به شهرت رسید. او در نهایت در وین اتریش ساکن شد و تا آخر عمر در این شهر باقی ماند. هیل در طول سال‌های کار، آثار متعدد و معروفی نوشت که یادداشت‌های روزانه، یودیت، تراژدی ماریا ماگدالنا و هرود و ماریا مینه از آن جمله‌اند. آثار نمایشی هیل شامل اندیشه‌ها و احساس‌های بدبینانه و نامطبوع زندگی است که همگی روح تیره و تنهایی و شکست را نمایان می‌سازد. در نظر هیل، صحنه‌های غم‌انگیز، نتیجه و محصول اجتناب‌ناپذیر تلاش فردی است. قدرت و برجستگی فرد پیوسته با کشمکش و مبارزه همراه است و دستخوش قوانین ماورای جهان مادی است. فرد می‌کوشد که خود را از فرسودگی اموری که با آن روبرو می‌شود برهاند، اما اراده‌اش در برابر قدرت اصلی که مافوق همه چیز است، خرد می‌شود. هیل موضوع نمایش‌نامه‌ها را بر عصرهای تحول و چهارراه‌های تاریخ قرار می‌دهد و در عین حال وجود خود را در ورای آثارش می‌نماید و همدردی خود را با فرد در برابر نظام و قوانین خرد کننده نشان می‌دهد. نمایش‌نامه‌های نخستین هیل به نثر نوشته و نمایش‌نامه‌های بعدی در شعر آزاد ساخته شده است. نامه‌های هیل نیز نه تنها به سبب گیرایی، بلکه به علت اهمیتی که از نظر تاریخ و نقد ادبی دارد، بسیار جلب توجه کرده و جزء نوشته‌های رسمی آلمان درآمده است. هیل نوعی از درام آفرید که در آن‌ها شخصیت‌هایی که زندگی‌شان در روحی بی‌قرار و خویشتن‌خواهی شدید می‌گذرد ترسیم شده و او در آن‌ها به

توصیف ابرمردان و زنان برتر پرداخته است. وی همچنین در آثارش به مسئله تضاد عاطفی در شخصیت آدمی پرداخته است. محرومیت‌های دوره کودکی و جوانی بر جسم هبل اثر گذاشت و بیماری مهره پشت، او را به سوی مرگ زودرس کشاند. کریستین فریدریش هبل سرانجام در 13 سپتامبر 1863م در پنجاه سالگی درگذشت.

\* امضای معاهده «قسطنطنیه» عثمانی، انگلیس و فرانسه (1854م)

در دوازدهم مارس 1854م معاهده تاریخی قسطنطنیه در شهر اسلامبول پایتخت عثمانی میان فرانسه، انگلستان و امپراتوری عثمانی منعقد شد. اساس این معاهده حفظ منافع کشورهای غربی بود و نه به نفع عثمانی. در حقیقت با توجه به حملات ارتش روسیه و اشغال بلغارستان و رومانی، دول اروپایی احساس خطر نمودند و براساس این معاهده الحاق دو بخش فوق به روسیه را نپذیرفتند. پس از امضای این معاهده، سه کشور مذکور در مقابله با توسعه‌طلبی روسیه تزاری در اروپا، به موفقیت‌هایی دست یافتند که پیروزی بر روسیه در جنگ کریمه، از آن جمله بود. این پیروزی به واسطه حمایت کشورهای اروپایی از جمله فرانسه و انگلستان به دست آمد و در نتیجه روسیه مجبور به خروج از مناطق اشغالی گردید.

\* درگذشت «سون یات سن» انقلابی چینی و اولین رئیس جمهور چین ملی (1925م)

\* آغاز نهضت نافرمانی در هند به دستور مهاتما گاندی رهبر آزادی این کشور (1930م)

در دوازدهم مارس 1930م نهضت عظیم نافرمانی در هند به دستور مهاتما گاندی رهبر معنوی این کشور، با حضور و شرکت انبوه میهن‌پرستان و آزادی‌خواهان هند به منظور مقابله با تصمیمات جدید دولت استعماری انگلیس در مورد افزایش مالیات نمک آغاز شد. گاندی خود تاکید کرده بود بدون اتحاد و همبستگی میان مسلمانان و هندوها کسب استقلال هند امری محال خواهد بود. به دنبال این عمل، انگلیسی‌ها ده‌ها هزار هندی را بازداشت و زندانی کردند و همین اقدام، موجب اختلال در کار ادارات دولتی هند شد. این اقدام گاندی، سمبلی برای مبارزه منفی علیه انگلیس شد، و سرانجام، انگلیس را وادار به عقب‌نشینی ساخت.

\* آغاز اشغال اتریش توسط نیروهای آلمان نازی پیش از جنگ جهانی دوم (1938م)

در ماه مارس 1938م، هیتلر سرانجام فکری را که از آغاز زمامداری در سر داشت به مرحله اجرا نهاد و فرمان حمله به خاک اتریش را صادر کرد و خودداری جامعه ملل و انگلیس و فرانسه از حمایت جدی از اتریش در برابر تهدیدات آلمان، یکی از عوامل مشوقه هیتلر در دست زدن به این اقدام نظامی بود. در نهایت، از سحرگاه دوازدهم مارس 1938م نیروهای آلمان بدون برخورد با کمترین مقاومتی وارد خاک اتریش شدند و فردای آن روز، در 13 مارس 1938م، رهبر نازی‌های اتریش که به مقام صدراعظمی این کشور انتخاب شده بود، وحدت اتریش و آلمان را اعلام کرد و این امر با مراجعه به افکار عمومی در دهم آوریل آن سال محقق شد، در حالی که دنیا در برابر این اقدام، عکس‌العمل حادی از خود نشان نداد. الحاق اتریش به آلمان، زمینه را برای تجاوز آلمان به چکسلواکی و سپس لهستان آماده ساخت و جرقه آتش جنگ جهانی دوم را روشن کرد.

\* روز ملی کشور آفریقایی «گابن» از استعمار فرانسه (1960م)

\* آغاز حکومت دیکتاتوری ژنرال سوهارتو در اندونزی (1966م)

\* روز ملی و استقلال «موریس» از استعمار انگلستان (1968م)